

توصیه‌های مشاوره‌ای به والدین براساس نظریه خودتعیین‌گری

مادر و پدر، مسائل تحصیلی و انگیزش خودمختار تحصیلی

فرهاد تنهای رشوانلو

دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه سمنان

دکتر الهه حجازی

دانشیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران

مقدمه

والدین غالباً انتظار دارند که فرزندانشان با انگیزه‌ای قوی تحصیل کنند و پیشرفت خوبی داشته باشند. اکثر والدین به تأثیری که بر پیشرفت تحصیلی فرزندان خود دارند، واقفند و با رسیدگی بیشتر به امور تحصیلی آنان سعی دارند نقش خود را به درستی ایفا نمایند. اما این تلاش‌ها همیشه به نتیجه دلخواه منتهی نمی‌شود و گاه نتیجه معکوس دارد. به نظر می‌رسد والدین برای اینکه بتوانند در این موارد بهتر عمل کنند باید نحوه و فرایند تأثیرگذاری خود را بهتر بشناسند. مشاوران مدارس می‌توانند در این زمینه توصیه‌های کاربردی به والدین ارائه نمایند.

عملکرد تحصیلی به‌طور کلی از دو دسته عوامل فردی و بافتی (زمینه‌ای) تأثیر می‌پذیرد (گووی و ولرند، ۱۹۹۷). از جمله عوامل فردی تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی، انگیزش است. یکی از نظریه‌های روان‌شناختی معاصر، که به خوبی توانسته است انگیزش دانش‌آموزان را در زمینه تحصیلی مورد بررسی قرار دهد، نظریه «خودتعیین‌گری»^۱ (دسی و رایان، ۱۹۸۵؛ رایان و دسی، ۲۰۰۰a؛ ۲۰۰۰b) است. این نظریه، انگیزش را عاملی می‌داند که فرد را به سوی نشان دادن رفتارهای خاص یا انجام آن‌ها به شیوه خاصی سوق می‌دهد. اگر چه انگیزش به‌طور کلی از درون فرد ناشی می‌شود ولی عوامل مختلف درونی و بیرونی می‌توانند باعث ایجاد آن شوند. بر این اساس می‌توان گفت دو نوع انگیزش وجود دارد: انگیزش درونی^۲ و انگیزش بیرونی^۳.

اشاره

مشاوران مدارس همواره با پدران و مادری مواجه هستند که می‌خواهند در امور تحصیلی فرزندانشان مشارکت داشته باشند. اما سؤال این است که کدامیک از والدین و به چه میزان باید در مسائل تحصیلی دانش‌آموزان درگیر شوند؟ مقاله حاضر براساس نظریه خودتعیین‌گری، یافته‌های پژوهشی را به‌صورت خلاصه ارائه نموده و توصیه‌هایی کاربردی برای مشاوران دارد.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش درگیر شدن مادر و پدر در مسائل تحصیلی و تأثیر آن در انگیزش خودمختار تحصیلی دانش‌آموزان بود. بدین منظور ۲۸۶ نفر (۱۳۲ پسر، ۱۵۴ دختر) با شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای از میان دانش‌آموزان پایه سوم ریاضی دبیرستان‌های دولتی شهر بجنورد انتخاب شدند و دو مقیاس ادراکات والدینی (رابینز، ۱۹۹۴) و انگیزش تحصیلی (ولرند و همکاران، ۱۹۹۲) را تکمیل کردند. محاسبه ضریب همبستگی پیرسون گویای آن بود که میان درگیر شدن مادر و پدر و انگیزش خودمختار تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نیز نشان داد که درگیر شدن مادر نقش بیشتری در انگیزش خودمختار تحصیلی دختران و پسران ایفا می‌کند تا نقش پدر.

کلیدواژه‌ها: درگیر شدن مادر، درگیر شدن پدر، انگیزش تحصیلی، دانش‌آموزان دبیرستانی.

برای اینکه دانش‌آموزان به خاطر لذت یا علاقه فعالیت کنند و به دنبال کسب پاداش یا تعریف و تمجید دیگران نباشند، باید زمینه‌های رضای سه نیاز اساسی روان‌شناختی را در آنان ایجاد کرد. این سه نیاز عبارت‌اند از نیاز به خودمختاری، نیاز به شایستگی و نیاز به احساس تعلق

شده است. بی‌انگیزگی یا فقدان انگیزش، حالتی را بیان می‌کند که قصد و عمدی در عمل وجود ندارد و رفتار فرد فاقد تعهد یا علّیت شخصی است. بی‌انگیزگی عمدتاً از بی‌ارزش بودن عمل نزد فرد، یا احساس عدم شایستگی برای انجام آن ناشی می‌گردد (رایان و دسی، ۲۰۰۰b).

برخی از محققان در چارچوب نظریه خودتعیین‌گری، سازه «انگیزش تحصیلی خودمختار»^۴ را برای توصیف دانش‌آموزانی به کار می‌برند که به خاطر انتخاب و علاقه شخصی خود یا به خاطر تجارب لذت‌بخش و ارضاکنده ناشی از انجام فعالیت‌های آموزشی (به عبارت دیگر انگیزش درونی) به مدرسه می‌روند و «انگیزش تحصیلی غیر خودمختار»^۶ را در مورد دانش‌آموزانی به کار می‌گیرند که فعالیت‌های آموزشی را به خاطر فشارهای بیرونی و کسب پاداش (انگیزش بیرونی) یا از روی بی‌انگیزگی انجام می‌دهند. (فورتیر و همکاران، ۱۹۹۵؛ گووی و ولرند، ۱۹۹۷).

تحقیقات نشان داده است که دانش‌آموزانی که برای لذت ناشی از یادگیری چیزهای جدید و علاقه شخصی درس می‌خوانند، پیشرفت تحصیلی بالاتری دارند. در مقابل دانش‌آموزانی که برای کسب پاداش یا مورد توجه دیگران قرار گرفتن، درس می‌خوانند اغلب پیشرفت تحصیلی کمی دارند (لاوندر، ۲۰۰۵؛ ونس تین کیست و همکاران، ۲۰۰۵).

حال، برای اینکه دانش‌آموزان به خاطر لذت یا علاقه فعالیت کنند و به دنبال کسب پاداش یا تعریف و تمجید دیگران نباشند، باید زمینه‌های رضای سه نیاز اساسی روان‌شناختی را در آنان ایجاد کرد. این سه نیاز عبارت‌اند از نیاز به خودمختاری^۷، نیاز به شایستگی^۸ و نیاز به احساس تعلق^۹. خودمختاری بدین معنی است که فرد خودش را علت کارهای خود بداند. برای مثال وقتی فرزند ما عملی را آزادانه انتخاب می‌کند و به روش مورد نظر خود آن را انجام می‌دهد احساس خودمختاری در او رشد می‌کند؛ وقتی بر آن عمل تسلط پیدا می‌کند و احساس می‌کند که کفایت و مهارت کافی برای انجام آن را دارد، احساس شایستگی خواهد کرد و وقتی ببیند که می‌تواند با افراد مهم ارتباط برقرار کرده و در کنار آنان احساس امنیت کند و از حمایت آنان برخوردار شود، احساس تعلق در او رشد خواهد کرد (گروولیک و همکاران، ۱۹۹۷). بنابراین برای داشتن انگیزش درونی جهت انجام کارها باید این سه نیاز در افراد رشد کنند و ارضا شوند. محیطی که زمینه‌های رضای این نیازها را فراهم کند، باعث لذت بردن فرد از اعمال و در نتیجه انگیزش درونی می‌شود (رایان و دسی، ۲۰۰۰a).

درگیر شدن^{۱۰} والدین در فعالیت‌های تحصیلی فرزندان، یکی از عوامل محیطی اثرگذار در این زمینه است (گروولیک و همکاران، ۱۹۹۷). این

انگیزش درونی، اشاره به فعالیت‌هایی دارد که به خاطر علاقه و لذت شخصی انجام می‌شوند. ما به عنوان بزرگ‌ترها، کارهایی را به خاطر دلایل مشخصی که برای آن‌ها داریم انجام می‌دهیم. اما کودکان کارهایی را که به آن علاقه دارند، مشتاقانه انجام می‌دهند بدون اینکه کسی آنان را به این کار ترغیب کرده باشد. آن‌ها بازی‌هایی را ابداع می‌کنند، اشیاء را به اطراف پرت می‌کنند و با انجام برخی حرکات بزرگ‌ترها را می‌خندانند یا عصبانی می‌کنند. پس وقتی فرد برای لذت بردن از انجام یک کار یا به خاطر علاقه، کاری را انجام می‌دهد دارای انگیزش درونی است (رایان و دسی، ۲۰۰۰b).

اما برخی از کارهایی که افراد انجام می‌دهند از خارج و تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و جدا از علاقه‌های فردی آنان انجام می‌شود. بر این اساس انگیزش بیرونی؛ عبارت است از اشتغال به کارهایی که خود وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف دیگر است. وقتی افراد به صورت بیرونی برانگیخته می‌شوند برای به دست آوردن چیزی بیشتر از لذت بردن از خود عمل فعالیت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت رفتارهایی که به صورت بیرونی برانگیخته می‌شوند ابزاری برای کسب پاداش هستند. پسری که برای کسب تأیید مادرش کت خود را بر روی جالباسی آویزان می‌کند و دختری که برای شگفت‌زده کردن پدر بزرگش پیانو می‌نوازد، هر دو به صورت بیرونی برانگیخته شده‌اند. بسیاری از رفتارهایی که بزرگ‌ترها از کودکان توقع دارند مورد علاقه درونی کودکان نیست و بنابراین احتمالاً به صورت درونی برانگیخته نمی‌شوند (همانند تمیز کردن اتاق خوابشان). حتی برخی از رفتارهایی که از لحاظ اجتماعی ارزشمند هستند، مانند بخشیدن اموال خود به دیگران، ممکن است انگیزه درونی نداشته باشد، بلکه به علت گرایش ذاتی فرد به احساس تعلق به دیگران صورت گیرد. همه این رفتارها، ارزش‌ها و باورهای همراه آن‌ها در حیطه انگیزش بیرونی قرار می‌گیرند (گروولیک و همکاران، ۱۹۹۷).

به جز دو نوع انگیزشی که بدان اشاره شد، در نظریه خودتعیین‌گری انگیزه سومی به نام «بی‌انگیزگی»^۴ نیز مطرح

سازه «انگیزش تحصیلی خودمختار» برای توصیف دانش‌آموزانی به کار برده می‌شود که به خاطر انتخاب و علاقه شخصی خود یا به خاطر تجارب لذت‌بخش و ارضاکننده ناشی از فعالیت‌های آموزشی به مدرسه می‌روند

پدر معنادار نیست.

گروولنیک (۲۰۰۹) بر این باور است که شیوه فرزندپروری والدین به‌طور گسترده‌ای از محیط زندگی آنان تأثیر می‌پذیرد. کیم و رانر (۲۰۰۲) نیز تصریح می‌کنند که شرایط فرهنگی می‌تواند بر الگوی فرزندپروری مادر و پدر تأثیرگذار باشد. بر این اساس می‌توان این چنین استنباط کرد که نحوهٔ اثرگذاری درگیر شدن پدر یا مادر بر انگیزش خودمختار تحصیلی فرزندان، در جوامع مختلف و حتی خرده‌فرهنگ‌های درون یک جامعه الگوی متفاوتی را دنبال می‌کند. به‌عنوان مثال تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند که الگوی ارتباطی درگیر شدن مادر و پدر، در امر تحصیل فرزندان، با ابعاد عزت نفس در فرزندان دختر و پسر متفاوت است. به طوری که درگیر شدن مادر با هیچ یک از ابعاد فردی، جسمانی، خانوادگی و تحصیلی عزت نفس فرزندان دختر رابطه معناداری ندارد. در حالی که این ارتباط در پسران، جز در مورد عزت نفس تحصیلی، معنادار است. از سوی دیگر، انگیزش خودمختار تحصیلی در دختران و پسران الگوی متفاوتی دارد (حافظی، ۱۳۸۲).

بر این اساس، در پژوهش حاضر به بررسی رابطهٔ درگیر شدن مادران و پدران در فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان با انگیزش خودمختار تحصیلی پرداخته شده و به دو سؤال پژوهشی زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. آیا میان درگیر شدن مادر و پدر در فعالیت‌های تحصیلی با انگیزش خودمختار تحصیلی دختران و پسران رابطه معناداری وجود دارد؟
۲. پدر و مادر هر کدام به چه اندازه در انگیزش خودمختار تحصیلی دختران و پسران نقش دارند؟

روش

جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانش‌آموزان پایه سوم ریاضی دبیرستان‌های دولتی شهر بجنورد تشکیل می‌دهد. به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، تعداد ۲۸۶ نفر (۱۳۲ پسر، ۱۵۴ دختر) با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو مقیاس به شرح زیر استفاده شد: **مقیاس ادراکات والدینی (POPS)**: این مقیاس توسط رابینز (۱۹۹۴) تدوین گردیده و ۴۲ سؤال آن با لیکرت ۷ درجه‌ای از «کاملاً نادرست» تا «کاملاً درست» درجه‌بندی می‌گردند. در این پژوهش تنها ۱۰ سؤال که در برگزیدهٔ درگیری مادر (۵ سؤال) و درگیری پدر (۵ سؤال) بود، مورد استفاده قرار گرفت. اعتبار و روایی

درگیری اشاره به منابعی (علاقه، توجه، وقت، انرژی و...) دارد که والدین به زندگی تحصیلی فرزندشان اختصاص می‌دهند. درگیر شدن والدین، به دو صورت، درگیر شدن در مدرسه و مشارکت در خانه صورت می‌گیرد. درگیر شدن در مورد اول به صورت مراجعه مکرر به مدرسه و تماس با معلم و مسئولان مدرسه، پیگیری مسائلی که در مدرسه اتفاق می‌افتد و عضویت در انجمن اولیا و مربیان و نظایر آن است. مشارکت در خانه نیز توجه و مشارکت در فعالیت‌هایی است که با مسائل تحصیلی فرزندان در ارتباط است؛ از قبیل فراهم نمودن محیطی آرام در منزل برای مطالعه، کمک به فرزند برای حل مسائل و انجام تکالیف، مشاوره با او برای انتخاب پروژه‌های تحقیقاتی و کارهای عملی، صحبت کردن با او در مورد علاقمندی‌های علمی و تحصیلی‌اش (مسائلی از قبیل اینکه به چه دروسی علاقه دارد، چه موضوعاتی برایش جذاب است و چه چیزهایی را در مدرسه آموخته است) و فراهم نمودن امکانات تحصیلی برای او را شامل می‌شود (پومرانتز و همکاران، ۲۰۰۷). نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که درگیر شدن والدین در فعالیت‌های دانش‌آموزان باعث تلاش، تمرکز و توجه بیشتر آنان بر دروس می‌شود. (گونزالز دهاس و همکاران، ۲۰۰۵) پس این درگیری با انگیزش درونی رابطه مثبت و با انگیزش بیرونی و بی انگیزگی رابطه منفی دارد (گروولنیک و همکاران، ۱۹۹۱؛ گونزالز و همکاران، ۲۰۰۵). به‌عنوان مثال، نتایج پژوهش گینزبورگ و برونستاین (۱۹۹۳) گویای آن بود که درگیر شدن کمتر والدین با انگیزش بیرونی، و به تبع آن با پیشرفت تحصیلی، کمتر در ارتباط است. گرچه عمدهٔ تحقیقات صورت گرفته نشان‌دهندهٔ رابطه درگیر شدن والدین با ابعاد مختلف روان‌شناختی فرزندان نشان است، اما نتایج گاه متفاوتی نیز در این زمینه یافت می‌شود. به‌عنوان مثال در یک مطالعهٔ داخلی، خرازی و کارشکی (۱۳۸۸) نشان دادند که درگیر شدن مادر و پدر با یادگیری خودتنظیمی^{۱۱} دانش‌آموزان رابطه معناداری ندارد. فرازی و همکاران (۱۳۹۲) نیز به این نتیجه رسیدند که درگیر شدن مادر با کمال‌گرایی خودمدار فرزندان رابطه معناداری ندارد و رابطه آن با کمال‌گرایی دیگر مدار و جامعه‌مدار منفی و معنادار است.

مسئله‌ای که تاکنون کمتر بدان پرداخته شده این است که درگیر شدن کدام‌یک از والدین اثر بیشتری بر انگیزش فرزندان دارد (گروولنیک و فرانکس^{۱۲}، ۲۰۰۲ به نقل از سونز و ونس تین کیست، ۲۰۰۵). گروولنیک و رایان (۱۹۸۹) در پژوهشی که بر روی ۶۴ مادر و ۵۰ پدر دانش‌آموزان پایه سوم تا ششم، با روش مصاحبهٔ ساختار یافته، انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که درگیر شدن مادر رابطه معناداری با انگیزش خودمختار، ادراک شایستگی و سازگاری در مدرسه دارد، اما این رابطه در مورد درگیری



موافقم» می‌سنجد. ضرایب آلفا در مطالعه باقری (۱۳۷۹) برای خرده مقیاس‌ها از ۰/۷۳ تا ۰/۸۱ گزارش شده است. جهت تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی، همبستگی و رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد.

یافته‌ها

سؤال اول: آیا میان درگیری شدن مادر و پدرب در فعالیت‌های تحصیلی با انگیزش خودمختار تحصیلی دختران و پسران رابطه معناداری وجود دارد؟ شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرها در جدول ۱ آورده شده است.

این مقیاس در پژوهش تنهای رشوانلو (۱۳۸۷) مورد تأیید قرار گرفته و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و ۰/۸۲ به ترتیب برای درگیری شدن مادر و درگیری شدن پدر گزارش شده است.

مقیاس انگیزش تحصیلی (AMS): این مقیاس به وسیله ولرند و همکاران در سال ۱۹۸۹ و براساس نظریه خودتعیین‌گری تدوین گردیده است (ولرند و همکاران، ۱۹۹۲). باقری (۱۳۷۹) در پژوهشی که در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران انجام داد، اعتبار و روایی مناسبی برای این مقیاس گزارش کرده است. این مقیاس پنج خرده مقیاس انگیزش درونی برای فهمیدن، تنظیم همانندسازی شده، تنظیم درون‌فکنی شده، تنظیم بیرونی و بی‌انگیزگی را با لیکرت هفت درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی درگیری مادر و پدر و انگیزش خودمختار در دختران، پسران و کل نمونه

| گروه | متغیر | میانگین | انحراف معیار | همبستگی | |
|--------|---------------------|---------|--------------|---------|--------|
| | | | | ۱ | ۲ |
| دختران | ۱. درگیری مادر | ۱۷/۱۶ | ۲/۸۹ | - | - |
| | ۲. درگیری پدر | ۱۸/۷۷ | ۴/۰۷ | ۰/۳۱** | - |
| | ۳. انگیزش خودمختار* | ۱۶/۰۹ | ۲/۴۷ | ۰/۳۷** | ۰/۱۷* |
| پسران | ۱. درگیری مادر | ۱۶/۲۶ | ۲/۰۸ | - | - |
| | ۲. درگیری پدر | ۱۶/۰۱ | ۱/۷۱ | ۰/۳۴** | - |
| | ۳. انگیزش خودمختار* | ۱۶/۲۰ | ۱/۹۱ | ۰/۷۰** | ۰/۶۴** |
| کل | ۱. درگیری مادر | ۱۶/۷۴ | ۲/۵۷ | - | - |
| | ۲. درگیری پدر | ۱۷/۴۵ | ۳/۴۵ | ۰/۳۵** | - |
| | ۳. انگیزش خودمختار* | ۱۶/۱۴ | ۲/۲۲ | ۰/۴۶** | ۰/۲۳** |

$P * \leq 0/05$

$P ** \leq 0/01$

* این سازه از طریق ترکیب خرده مقیاس‌های انگیزشی و براساس فرمول [(انگیزش درونی ۲) + تنظیم همانندسازی شده] - (تنظیم بیرونی + بی‌انگیزگی ۲) محاسبه شده است. اعتبار این فرمول در مطالعه گوری و ولرند، (۱۹۹۷) و تنهای رشوانلو (۱۳۸۷) به تأیید رسیده است.

اگر واکنش والدین در برابر نمرات خوب فرزندان خود، دادن جایزه باشد، انگیزش بیرونی در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود و آنان برای کسب پاداش به تحصیل خواهند پرداخت. اما اگر والدین هنگامی که دانش‌آموز نمره خوبی می‌گیرد با تعریف و تمجید شفاهی، محبت و توجه بیشتر، ارزش قائل شدن برای یادگیری‌های جدید او و گوشزد کردن این نکته که گرفتن نمره خوب نشان از توانایی بالا و درک درست او از ارزش علم و دانش است، واکنش نشان دهند، انگیزش درونی در دانش‌آموز تقویت خواهد شد.

نتایج ارائه شده در جدول ۱ نشان می‌دهد که همبستگی معناداری میان درگیری مادر ($r=0/46$) و درگیری پدر ($r=0/23$) با انگیزش خودمختار تحصیلی در کل نمونه وجود دارد. در گروه دختران و پسران نیز همبستگی میان درگیری مادر و پدر با انگیزش خودمختار تحصیلی معنادار است. مقایسه ضرایب نشان می‌دهد که در هر سه گروه همبستگی درگیری مادر با انگیزش خودمختار تحصیلی بیشتر از همبستگی درگیری پدر است.

سؤال دوم: پدر و مادر هر کدام به چه اندازه در انگیزش خودمختار تحصیلی دختران و پسران نقش دارند؟

برای پاسخگویی به این سؤال پژوهشی از رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. مشخصه‌های آماری رگرسیون گام‌به‌گام انگیزش خودمختار تحصیلی دختران، پسران و کل نمونه از روی درگیری مادر و پدر

| گروه | مدل | متغیر | R^2 | R^2_{Adj} | β | t |
|------|-----|-------------|-------|-------------|---------|--------|
| کل | ۱ | درگیری مادر | ۰/۲۱ | ۰/۲۰ | ۰/۴۶ | ۹/۳۴* |
| | | درگیری پدر | ۰/۱۲ | ۰/۱۲ | ۰/۳۵ | ۴/۹۶* |
| پسر | ۱ | درگیری مادر | ۰/۴۹ | ۰/۴۸ | ۰/۶۷ | ۱۲/۱۸* |
| | | درگیری پدر | ۰/۶۷ | ۰/۶۷ | ۰/۵۴ | ۱۱/۱۰* |
| دختر | ۲ | درگیری پدر | | | ۰/۴۶ | ۹/۳۷* |

* تمامی مقادیر در سطح ۰/۰۵ معنادارند

نتایج رگرسیون گام‌به‌گام ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که در کل نمونه تنها درگیری مادر می‌تواند انگیزش خودمختار تحصیلی را پیش‌بینی نموده ($\beta=0/46$) و ۲۱ درصد از واریانس آن را تبیین نماید. در گروه دختران نیز درگیری مادر به تنهایی ۱۲ درصد از واریانس انگیزش خودمختار تحصیلی را تبیین می‌کند، اما در گروه پسران الگوی متفاوتی وجود دارد. بدین ترتیب که در بهترین مدل پیش‌بینی، درگیری مادر و درگیری پدر ۶۷ درصد از واریانس انگیزش خودمختار تحصیلی پسران را تبیین می‌کنند و درگیری مادر ضریب بزرگ‌تری ($\beta=0/54$) در برابر $\beta=0/46$) را در این پیش‌بینی دارد. در مجموع نتایج گویای آن است که درگیری مادر نقش بیشتری در انگیزش خودمختار تحصیلی دختران و پسران دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش درگیر شدن مادر و پدر در انگیزش خودمختار تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی بود. نتایج همسوس با پژوهش‌های

(گروولیک و همکاران، ۱۹۹۱؛ گونزالز-دهاس و همکاران، ۲۰۰۵؛ گینزبورگ و برونستاین، ۱۹۹۳) نشان داد که میان درگیر شدن مادر و درگیر شدن پدر و انگیزش خودمختار تحصیلی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.

گینزبورگ و برونستاین (۱۹۹۳) بر این باورند که درگیر شدن والدین از چند راه بر تحصیل دانش‌آموزان تأثیر دارد:

- درگیر شدن والدین در امر تحصیل فرزندان باعث ایجاد احساس شایستگی در آنان می‌شود و می‌پذیرند که بر فعالیت‌هایشان نظارت وجود دارد. وقتی والدین، به‌عنوان بزرگ‌تر، برای امور تحصیلی دانش‌آموز خود ارزش قائل شده و به‌عنوان مثال با مسئولان مدرسه در ارتباط باشند، فاصله خانه و مدرسه از بین می‌رود و دانش‌آموز در محیط مدرسه آرامش بیشتری احساس کرده و خود را مسلط بر امور تحصیلی خواهد دانست. از طرف دیگر والدین با کمک به دانش‌آموزان برای یادگیری مفاهیم جدید باعث تسهیل یادگیری در آنان شده و به آنان این فرصت را می‌دهند که به‌طور مداوم عملکرد خود را سنجیده و احساس کفایت و شایستگی کنند و در نتیجه انگیزش تحصیلی بیشتری داشته باشند.

- درگیر شدن والدین احساس امنیت و تعلق داشتن را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. این درگیر شدن با تشویق دانش‌آموز، نظارت و کمک به او برای حل مسائل درسی، شخصی و اجتماعی همراه است و ارتباط نزدیکی بین والدین و فرزندان ایجاد می‌کند. از طرف دیگر شرکت کردن والدین در جلسات اولیا و مربیان یا دیگر فعالیت‌های مدرسه به کودک نشان می‌دهد که پدر و مادرش برای او و مسائل او ارزش قائل هستند.

- درگیر شدن والدین باعث می‌شود که دانش‌آموزان تحصیل را امری ارزشمند بدانند. وقتی والدین به‌عنوان بزرگ‌تر، علی‌رغم داشتن مشغله فراوان، در فعالیت‌های تحصیلی فرزندان خود مشارکت می‌کنند، فرزندان نیز به ارزش واقعی تحصیل پی می‌برند.

باید توجه داشته باشیم که درگیر شدن والدین ابعاد مختلفی دارد. نظارت بر انجام تکالیف یا کمک به انجام آن، نوع واکنش به نمرات فرزندان خود، ارتباط با مسئولان مدرسه و... این ابعاد مختلف می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. به‌عنوان مثال دسی و همکاران (۲۰۰۱) در فراتحلیلی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه انگیزش، به این نتیجه رسیدند که اگر واکنش والدین در برابر نمرات خوب فرزندان خود، دادن جایزه باشد، انگیزش بیرونی در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود و آنان برای کسب پاداش به تحصیل خواهند پرداخت. اما اگر والدین هنگامی که دانش‌آموز نمره خوبی می‌گیرد با تعریف و تمجید شفاهی، محبت و توجه بیشتر، ارزش قائل شدن برای یادگیری‌های جدید او و گوشزد کردن این نکته که گرفتن نمره خوب نشان از توانایی بالا و درک درست او از ارزش علم و دانش است، واکنش نشان دهند، انگیزش درونی در دانش‌آموز تقویت خواهد شد.

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که درگیری مادر نقش بیشتری در انگیزش خودمختار تحصیلی دختران و پسران دارد. کیم و راتر (۲۰۰۲) بر این باورند که در فرهنگ‌های سنتی (همانند جامعه مورد مطالعه در این پژوهش) چون اغلب مادران غیرشاغل اند و وقت بیشتری را با فرزندان می‌گذرانند، درگیر شدن مادر در فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان با

انگیزش تحصیلی بیشتر در ارتباط است. اما پدران؛ چون وقت کمتری را با فرزندان می‌گذرانند و درگیر شدن آنان در فعالیت‌های تحصیلی اغلب با کنترل و فشار همراه است، تأثیر درگیری آنان بر انگیزش کم‌رنگ‌تر است.

نتایج این پژوهش همچنین گویای آن بود که درگیری پدر فقط پیش‌بینی‌کننده انگیزش خودمختار تحصیلی پسران است و نمی‌تواند انگیزش خودمختار تحصیلی دختران را پیش‌بینی کند. چنین تفاوتی را می‌توان ناشی از تفاوت در برداشت‌های کودکان از شیوه‌های رفتاری والدین دانست. گروولیک و همکاران (۱۹۹۷) بر این باورند که تفاوت در ادراکات کودکان از رفتارهای والدین خود، ممکن است ناشی از تفاوت‌های شخصیتی کودکان و تفاوت در توقعاتی که پدران و مادران از آنان دارند، باشد. گروولیک (۲۰۰۹) همچنین بر این باور است که شیوه رفتار پدر و مادر می‌تواند از عوامل مخالف تأثیر بپذیرد و این عوامل به گونه متفاوتی بر پدر و مادر تأثیر دارند. این عوامل به سه دسته قابل تقسیم هستند:

نخست ویژگی‌های فردی و

شخصیتی کودکان؛ چراکه هر یک از کودکان با ویژگی‌های روان‌شناختی خاص خود به دنیا می‌آیند؛ ویژگی‌هایی که هر کدام رفتارهای خاصی را در والدین برمی‌انگیزند، به‌عنوان مثال سرسختی در پسران باعث درگیری توأم با کنترل بیشتر از سوی والدین بر رفتارهای آنان می‌گردد.

عامل دوم ویژگی‌های محیط زندگی والدین است؛ زندگی در محیط‌های استرس‌زا باعث می‌شود والدین انرژی، زمان و آمادگی روانی لازم برای درگیر شدن در فعالیت‌های دانش‌آموزان نداشته باشند و مجبور شوند محدودیت و کنترل بیشتری را بر کودکان اعمال نمایند.

عامل سوم ویژگی‌های فردی خود والدین از قبیل توقعاتی که از فرزندان دارند و آمال و خواسته‌های آنان است که می‌تواند بر میزان کنترل آنان و دادن یا ندادن فرصت انتخاب به کودکان



منابع

۱. باقری، ناصر (۱۳۸۲). واریسی‌های روان‌سنجی مقیاس انگیزش تحصیلی در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران. مجله دانشور رفتار، ۱۱(۱)، صص ۲۴-۱۱.
۲. تنهای رشوانلو، فرهاد و حجازی، الهه (۱۳۹۰). درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر: پیش‌بینی‌کننده‌های عزت نفس نوجوانان. مجله علوم رفتاری، ۴(۴)، ۳۴۳-۳۵۰.
۳. تنهای رشوانلو، فرهاد (۱۳۸۷). رابطه ادراک از سبک فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی: نقش واسطه‌ای انگیزش تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۴. حافظی، عشرت (۱۳۸۲). رابطه بین انگیزش خودمختار تحصیلی و شیوه‌های رویارویی با تنبیه با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سمپاد. مجله استعداد‌های درخشان، ۱۲(۳)، ۲۸۳-۲۵۹.
۵. خرازی، علینقی و کارشکی، حسین (۱۳۸۸). بررسی رابطه مؤلفه‌های ادراک والدین با راهبردهای یادگیری خودتنظیمی. تازه‌های علوم شناختی، ۱۱(۱)، ۵۵-۴۹.
۶. فرازی، فرزانه؛ خامسان، احمد و اسدی یونسی، محمدرضا (۱۳۹۲). رابطه ادراک از سبک‌های فرزندپروری با ابعاد کمال‌گرایی دانش‌آموزان دختر شهر بیرجند. خانواده‌پژوهی، ۴۳۹-۴۵۰، (۴۹).
7. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). Intrinsic Motivation and self-determination in human behavior. New York: Plenum Press.
8. Deci, E. L., Koestner, R., & Ryan, R. M. (2001). Extrinsic Rewards and Intrinsic Motivation in Education: Reconsidered Once Again. Review of Educational Research, 71, 1-27.
9. Fortier, M. S., Vallerand, R. J., & Guay, F. (1995). Academic Motivation and school performance: To ward a structural model. Contemporary Educational Psychology, 20, 257-274.
10. Ginsburg, G. s., & Bronstein, ph. (1993). Family factors related to children's intrinsic/extrinsic motivational orientation and academic motivation. Child Development, 64, 1461-1474.
11. Gonzalelez-dehass, A. R., Willems, P. P., & oanHolbin, F. D. (2005). Examining the relation ship between parental involvement and student motivation. Educational Psychology Review, 17, 99- 121.
12. Grolnick, W. & Ryan, R. (1989) Parent styles associated with self-regulation and competence in school. Journal of Educational Psychology, 81, 143-154.
13. Grolnick, W. Deci, E. L. & Ryan, R. (1997) Internalization within the family: The self-determination theory. In Gruse, J. E. & Kaczynski, L. Parenting and children s internalization of values: A handbook of contemporary theory. New York: Willey Press, PP. 135 -161.
14. Grolnick, W. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (1991). Inner resources for school achievement: Motivational mediators of children s perceptions of their parents. Journal of Educational Psychology, 83, 508-517.
15. Grolnick, W. S. (2009). The role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. Theory and Research in Education, 7,164-173.
16. Guay, F. & Vallerand, R. (1997) Social Context, Student s Motivation and Academic Achievement: to ward a process model. Social Psychology of Education, 1, 211-233.
17. Kim, K. & Rohner, R. P. (2002). Parental Warmth, control, and involvement are schooling predicting academic achievement among Korean American adolescents. Journal of Cross – Cultural Psychology, 33, 127- 140.
18. Lavender, M. M. (2005). A comparison of academic motivation of academically prepared and academically unprepared community college. Unpublished doctoral dissertation, The Florida State University, Florida.
19. Pomerantz, E. M., Moorman, E. A., & Litwack, s. D. (2007). The How, whom, and why of parent's involvement in children academic lives: More is not always better. Review of Educational Research, 77, 373- 410.
20. Robbins, R. J. (1994). An assessment of perceptions of parental autonomy support and control: Child and parent correlates. Unpublished Doctoral Dissertation, Department of Psychology, University of Rochester.
21. Ryan, R. M., & Deci, E. I. (2000a). Self-determination theory and facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. American psychologist, 55, 68- 78.
22. Ryan, R.M., &Deci, E. I. (2000b). Intrinsic and extrinsic motivation: Classic definition and new directions. Contemporary Educational Psychology, 25, 54 -67.
23. Soenens, B. & Vansteenkiste, M. (2005) Antecedents and outcome of self determination in 3 life domains: The role of parents and teacher autonomy support. Journal of Youth and Adolescence, 34, 589- 604.
24. Vallerand, R. J., Pelletier, L. G., Blais, M. R., Briere, N. M., Senecal, C., & Vallieres, E. F. (1992). The Academic Motivation Scale: A measure of intrinsic, extrinsic, and amotivation in education. Educational and psychological measurement, 52(4), 1003-1017.
25. Vansteenkiste, M., Simons, J., Lens, w., Soenens, B., & Matos, L. (2005). Examining the motivational impact of intrinsic versus extrinsic goal forming and autonomy supportive versus internally controlling communication style on early adolescent's academic achievement. Child Development, 76, 483- 501.

تأثیر بگذارد. از سوی دیگر کیم و رانر (۲۰۰۲) بر این باورند در خانواده‌های سنتی هنوز پدر به‌عنوان مرجع قدرت عمل می‌کند و نوع رفتار پدر با دختران و پسران نیز دارای الگوی متفاوتی است. بدین سبب درگیر شدن و مشارکت او در فعالیت‌های تحصیلی پسران می‌تواند تأثیرات بیشتری بر انگیزش خودمختار تحصیلی آنان داشته باشد. چراکه از یک سو پسران نوجوان بیشتر با پدر همانندسازی می‌کنند و از سوی دیگر مادران در این سنین به علت بحران‌های متناسب با سن پسران، کمتر با مسائل آنان درگیر می‌شوند. بر این اساس تأثیر درگیر شدن پدر در مسائل تحصیلی بر روی انگیزش خودمختار تحصیلی پسران چشمگیرتر از دختران است.

پیشنهادهایی برای مشاوران

به والدین توصیه می‌شود:

۱. سعی کنند در برابر پیشرفت‌های فرزندان خود با علاقه و اشتیاق واکنش نشان دهند و کمتر از جایزه استفاده کنند تا زمینه ایجاد و پرورش انگیزش درونی در آنان فراهم گردد.
۲. اگر می‌خواهند بر انجام تکالیف فرزندشان نظارت داشته باشند از اعمال فشار و تنبیه شدیداً بپرهیزند.
۳. فرزند خود را در تصمیم‌گیری در مورد مسائلی که مستقیماً با او و تحصیلاتش مرتبط است شرکت دهند و اگر مجبورند به جای او تصمیم بگیرند، دلایل این کار را برای او شرح دهند.
۴. رابطه خود را با مدرسه فرزندشان بیشتر کنند و مراجعه به مدرسه فرزند را تنها به کسب اطلاع از نمرات او یا حل و فصل مشکلات انضباطی اش محدود نکنند.
۵. زمینه‌ای را فراهم کنند تا از آموخته‌های فرزندشان در مدرسه برای حل مشکلات منزل استفاده شود.
۶. زمانی را به برگزاری جلسات علمی در منزل اختصاص دهند تا به فراخور موضوع، فرزند فرصت یابد آموخته‌های خود را بیان کند.
۷. انتظارات واقع‌بینانه خود از فرزند را در مورد مسائل تحصیلی با صراحت به او اعلام کنند.
۸. هیچ‌کس بیشتر از پدر و مادر نمی‌تواند در تربیت فرزندان به آن‌ها کمک کند، والدین بهترین متخصص برای تربیت فرزند خود هستند؛ پس باید وقت بیشتری را با فرزندان خود بگذرانند یا حداقل از وقت کمی که با آنان می‌گذرانند برای شناسایی فعالیت‌های مورد علاقه آنان استفاده کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. Self-determination
2. Intrinsic Motivation
3. Extrinsic Motivation
4. Amotivation
5. Self-determined school motivation
6. Non self-determined school motivation
7. Autonomy
8. Competence
9. Relatedness
10. Involvement
11. Self-regulating learning
12. Franks
13. Robbins, R. J.